

## ماجرای عشق و عاشقی میدون

### ماسنگ شده‌ایم

● **بوریا عالمی:** ما داریم به جای عجیبی می‌رسیم. در کرمان یک پژو ۴۰۵ با یک موتورسیکلت تصادف کرده و هفت نفر کشته و سه نفر هم زخمی شده‌اند. در حالت عادی و در همه جای جهان توی یک تصادف، تلفات یکی، دو نفر بیشتر نیست، اما چطوری توی کرمان یک موتور می‌زند به ماشین و ۱۰ نفر جابه‌جا می‌شوند؟ ما تحقیق کردیم و متوجه شدیم هفت نفر سوار پژو ۴۰۵ بوده‌اند و سه نفر سوار موتور. پژو ۴۰۵ در حالت استاندارد چهار کمر بند ایمنی دارد و موتور هم که یک صندلی بیشتر ندارد. حالا یک فشار بیاورند، یکی به عقب پژو اضافه می‌شود، یک نفر هم به موتور که باز می‌شود هفت نفر. آن سه نفر اضافه کجا نشسته بودند؟ ما نمی‌دانیم، اما چیزی که مشخص است این است که این هفت نفر داشتند خودشان را برای ورود به تهران و سوار شدن به بی‌آرتی و مترو آماده می‌کردند. واقعا هم اگر کسی بدون آمادگی ذهنی و جسمی، سوار مترو و اتوبوس در تهران شود، یک طوری تحت فشار قرار می‌گیرد که ممکن است سوءتفاهم ایجاد کند و دعوا شود. از طرفی ما فکر می‌کنیم اگر این همه دولت در این همه سال به ۱۰ درصد شعارهاشان عمل کرده بودند، الان هفت نفر مجبور نبودند سوار یک سواری بشوند. سه نفر هم بنشینند روی یک موتور. البته عیبی هم ندارد. این پژو ۴۰۵ تا چندسال پیش خودبه‌خود آتش می‌گرفت و همه می‌گفتند مقصر کارخانه‌اش است. خوشبختانه الان مقصر راننده محسوب می‌شود و چیزی کردن کارخانه نیست. بعد هم ما فکر می‌کنیم دیگر فاجعه برای ما شوخی شده است؛ ۱۰ نفر توی یک تصادف اینطوری می‌شوند، یک نیمچه‌زلزله می‌آید ده‌ها نفر می‌روند زیر آوار، عباس کیارستمی و کی و کی به خاطر قصور پزشکی از بین می‌روند، هوای آلوده باعث تلفات تعدادی آدم می‌شود، هفته پیش هم که یکی از فامیل‌های داماد با نیسان چهار نفر از فامیل عروس را زیر گرفته و کشته بود و ... و هزارتا چیز دیگر. به نظر ما، ما به خیر بد، به فاجعه و به مرگ عادت کرده‌ایم. و این اصلا چیز خنده‌داری نیست.

**وصیت:** سوؤفیا! ناصر تقوایی توی جشن خانه سینما می‌گوید اگر ما دلمان برای سینمای بیضایی تنگ شده، چه‌کار کرده‌ایم که او بتواند همین‌جا فیلم بسازد؟ سوؤفیا، به نظرم ما دلمان دیگر برای هیچ چیز، حتی خودمان، تنگ نمی‌شود؛ بیضایی‌ها و تقوایی‌ها که جای خود دارند. چرا! چون واقعا داریم هیچ‌کاری برای خودمان نمی‌کنیم. ما سنگ شده‌ایم. خود من، برای به‌دست‌آوردن تو چه‌کار کرده‌ام؟ هیچی، من فقط می‌نشینم و غم می‌زنم.

# شترق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۵ • ۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۴۸۶ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۸:۲۰ • اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

### روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

### کارتون خواب

مهدی عزیزی

برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی، مهم‌ترین عامل نشست زمین در تهران



### مشتری کافه خیابان وسط

### بهرام بیضایی تازه دیپلم گرفت!

مهرداد حجتی

«این نشریه بدجوری مشهور شده! هر جا را می‌بینی حرفش هست! همین‌طور خبرش از در و دیوار بالا می‌رود.

اگر عصر رسانه‌های اینترنتی نبود، حالا چاپش به صدمی هم رسیده بود. همه دارند حرفش را می‌زنند. هر مراسمی هم برگزار می‌شود صحنه‌اش می‌شود محل سخنرانی علیه آن.

تا کسی پایش را روی سن می‌گذارد، بسم‌الله نگفته، می‌رود سراغ این نشریه. حالا نگو پس کی بگو. ملاحظه بی‌ملاحظه. جالب اینکه هرکسی هم از زاویه دید خودش حرف می‌زند که با دیگری تفاوت دارد، اما در یک چیز با هم مشترک‌اند و آن محکومیت این نشریه است. بنا هم نیست حال‌حالاها هم کوتاه بیایند. انگاری همه تخت‌گاز دارند می‌روند تا در کوپیدن نشریه از هم سبقت بگیرند. شدت واکنش‌ها هم لحظه‌به‌لحظه دارد بالا می‌گیرد. داوود میرباقری می‌گوید: «شرم‌آور است، بزرگان و مسئولان ورود کنند».

ابراهیم حاتمی‌کیا می‌گوید: «متأسفم که به اسم امام حسین با خون حسین بازی می‌شود. بی‌غیرتی است اگر اهل قلم واکنش نشان ندهد».

مریلا زارعی می‌گوید: «امروز در کشور نشریه‌ای چاپ می‌شود که به همه توهین می‌کند، پرده‌داری می‌کند، آبروی مسلمان را می‌برد و بدترین الفاظ آن تیر هم می‌شود!» و رضا کیانیان می‌گوید: «آقای وزیر درباره خودمختاری موسیقی هیچ کاری نکرد، درباره نشریه «پالئارات» هم هیچ کاری نکرد. انکار اصولا ایشان به هیچ کاری کاری ندارند!» نماینده مردم تهران، کواکبیان، هم در صحن علنی مجلس می‌گوید: «هیات نظارت بر مطبوعات توقیف می‌کند، آن وقت جای دیگر اجازه انتشار می‌دهد!»

گروهی بچه‌مسلمان هم خودجوش بیانیه می‌دهند که «مطالب اخیر نشریه پالئارات درخصوص سه تن از عوامل سینمای ایران خلاف شرع و ادب، تهمت و قذف و دارای حد شرعی، اشاعه فحشا و گناه کبیره است، که نه تنها موجب حل‌شدن مشکلات فرهنگی نخواهد شد بلکه اتفاقا باب نقد سالم و فنی را خواهد بست و بحث‌های اساسی را به حاشیه خواهد راند». اما دوست عزیز، آنچه در این هیاهو کم شد، حرف‌های «مسعود دهنمکی» بود که گفت: «به‌خاطر همه‌های روشنفکری، خود حزب‌اللهی‌ها هم به این نتیجه رسیده‌اند که وقتی فیلم می‌سازند عکس امام را در آن نشان ندهند یا مثلا حاجی و سید در آن نیاورند».

این آخری هم داشت یادم می‌رفت که بالاخره بعد از سال‌ها بهرام بیضایی دیپلم گرفت! مبارکش باشد. قربانت تا بعد، راستی هم در جوابش تلگرامی نوشت: «اینجا جابت خیلی خالی است. تو کافه هم همه دارند از همین حرف‌ها می‌زنند، راستی نوشستی چه دیپلمی؟» چپی بلافاصله نوشت: «دیپلم افتخار برای روز واقعه، همین چند روز پیش!» راستی هم نوشت: «لایب قیلا نزد دوستان نمره نیاورده و رد شده! به‌همین‌خاطر نتوانسته تا حالا دیپلم بگیرد!»

### سلام به فردا

## بازداشت یک خبرنگار و چند پرسش

رسانه‌ای دیگر، نام و عنوان اتهامی او را بیان می‌کنند، سؤالات و ابهاماتی مختلف به ذهن متبادر می‌شود:

یک آن رسانه چه نفعی در ذکر نام متهم و بیان اتهامی که جنبه محرمانه داشته و انتشاردهنده آن را قانون‌گذار مجرم دانسته، می‌برد؟

دو وقتی که رسانه‌ای عنوان اتهامی و نیز نام متهم مورد تعقیب را افشا می‌کند، این مهم به ذهن متبادر می‌شود که از قبل این نیز، آن رسانه از وضع به‌وجودآمده برای متهم تحت‌تعقیب، باخبر بوده.

سه ممکن است از باب احتمالی عناد مطالبی به عنوان اتهام فرد بازداشت‌شده از سوی این رسانه مطرح نباشد؛ اما انتشار این اتهام در واقع نوعی گرادادن به مرجع تعقیب‌کننده خواهد بود.

خلاصه آنکه حفظ اسرار شغلی و حوزه کاری افراد خصوصا وقتی که بحث فعالیت در حوزه رسانه مطرح باشد، از واجبات حرفه‌ای این شغل و از اصول اولیه همکاری است. اگر فعالیت حرفه‌ای فرد بازداشت‌شده به وسیله نشریه و رسانه‌ای که قبلا در آن فعالیت می‌کرده، در چنین بزنگاهی منتشر شود در واقع نوعی انتقام کشی

می‌باشد.

حکمت قانون و اقتدار آن در همه حوزه‌ها به اجرای آن است و احترامی که هر مجموعه باید به قوانین خاصی حاکم بر حوزه خود داشته باشد و این پایبندی است که اعضای یک صنف را زیر یک چتر مورد حمایت قرار می‌دهد.

از حرکاتی که بعضا با نوعی درگیری قلمی در سطح رسانه‌ها مطرح می‌شود، همیشه از سوی دوستان مطبوعاتی انتقاد شده که حفظ و حرمت امامزاده با متولیان آن است؛ حال چگونه پسندیده است که درگیری از گفتن قلمی خارج شده و به نوعی زورآزمایی، نمایش داده می‌شود؟

### پشت تاریخ

## بازداشت هیأت‌مدیره خانه سینما و رفتار مرتضوی



امیرحسین علم‌الهدی

به بازداشتگاه زیرزمین دادگاه ارشاد بخارست فرستاده شدیم. هر نیم‌ساعتی که می‌گذشت، سایر اعضای هیأت‌مدیره به بازداشتگاه فرستاده می‌شدند؛ افرادی چون رضا کیانیان و ... در میان مردم که شناخته‌شده بودند با استقبال پسران و دخترانی مواجه می‌شدند که به‌خاطر شرکت در پارتی با جشن تولدهای مختلط سروکارشان به این دادگاه افتاده بود و با تعجب به هنرمندان و هنرمندان نیز با تعجب به این نوجوانان و جوان‌هایی با رده سنی ۱۷ تا ۲۲ سال می‌نگریستند!

بگذریم که چه گذشت در آن ساعات و دلیل این نحوه رفتار با هنرمندان سینما در آن سال چه بوده است، اما رفتار زیرمجموعه دادستان وقت تهران با هنرمندان به‌خاطر برگزاری یک جشن سینمایی باعث شد به لایه‌های پنهان شخصیتی بی‌بریم که در آینده خود با انواع و اقسام اتهامات ریزودرشت مواجه شده است و نهایتا مجبور شد که به‌خاطر جان‌باختن سه جوان در زمان تصدی مسئولیتش عذرخواهی کند و ای‌کاش ایشان حداقل به‌خاطر ترور شخصیت و تحقیر سینماگران در سال ۸۳ و اتفاقات رقم‌زده برای صدها فعال مطبوعاتی در طول تصدی قضائی می‌پذیرفت عذرخواهی کند اگر در آن سال‌ها رفتارهای تند ایشان کنترل می‌شد دیگر نیازی نبود شاهد جان‌باختن عزیزانی باشیم که بر اثر تدرروی‌ها و تک‌روی‌های فردی که خود را بدون نظارت در جای «مصلحی» می‌دانست و بدون رعایت حقوق اولیه افراد جامعه براساس برداشت‌های شخصی و تدرروی‌های سیاسی به جان و آبروی افراد شریف و در نهایت هم به خود و آبروی سیستم قضائی (که حافظ امنیت و جان و ناموس مردمان است) چوب حراج زد!

مرتضوی محصول سیستمی است که به اسم «تعهد» هرگونه نظارت و کنترل را نفی می‌کند و بررسی و واکاوی اوج تا فرود «مرتضوی» نشان‌دهنده این است که هر سیستمی بدون نظارت رو به فساد می‌رود.

### پیشخوان

گفت‌وگویی در آلمان با کیارستمی. این شماره را از دست ندهید، به غایت خواندنی است.

● «چگونه روزنامه‌نگار شویم؟» نام کتابی است نوشته احمد تولکی، روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگاری که برای علاقه‌مندان و دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این کتاب، این موضوع را با اتکا به نگاه حرفه‌ای و دانش آکادمیک خویش در رشته روزنامه‌نگاری به‌تحریر درآورده و با افزودن بخشی تحت عنوان «از استاد پیرس»- در پایان هر فصل- پرسش اساسی کتاب را در پاسخ‌های استادانی چون علی‌اکبر قاضی‌زاد، مهدی فرقانی، مجید رضانیان، یونس شکرخواه، فریدون صدیقی و حسن نمکدوست جست‌وجو کرده و به بحث گذاشته است. «بای‌بندی به اصول روزنامه‌نگاری خوش آمدید»، «بای‌بندی به اصول حرفه‌ای»، «محیط دانشگاه» و «در آغاز راه» تهیه و تنظیم شده است. چاپ اول کتاب در تابستان سال ۹۵ در قطع رقعی به تعداد صد نسخه در ۱۱۲ صفحه و به قیمت ۹ هزار تومان از سوی نشر تانیه منتشر و روانه بازار کتاب شده است.

● در این ۷۰،۶۰ روزی که از رفتن عباس کیارستمی گذشته است، هنوز دانش از یاد رفته و بسیاری به یاد او برانامه برگزار می‌کنند؛ از جشنواره ونیز و بوسان تا جشن منتقدان. هرچند جشن خانه سینما یادش می‌رود بخشی را برای این بزرگ در نظر بگیرد. در این مدت نشریات متعددی ویژه‌تجلیل از عباس کیارستمی منتشر شده است؛ در نشریه «تجربه» گفت‌وگویی از سیف‌الله صمدیان منتشر شده که به نکته‌های بسیار ظرفی از زندگی و نگاه این استاد مسلم سینما اشاره کرده و همین‌طور امیرحسین علم‌الهدی درباره نحوه تشییع و چگونگی برگزاری مراسم‌ها و جزئیات امنیتی آن سخن گفته است. اما در ویژه‌نامه روز ملی سینما که هرساله ماهنامه فیلم منتشر می‌کند، این‌بار محسن آرزوم از منتقدان شناخته‌شده، مسئولیت تهیه مطالبی درباره عباس کیارستمی را برعهده داشته است. تنوع تحسین‌برانگیز است و برخی مطالب خواندنی‌تر؛ مانند ۱۰ یادداشت اختصاصی درباره عباس کیارستمی از بزرگان سینمای جهان، یادداشت بهمن فرمان‌آرا و محمودرضا بهمن‌یور و سه گفت‌وگو در نشریه فاین‌فیلز، ایزابل اوپر و



● «چگونه روزنامه‌نگار شویم؟» نام کتابی است نوشته احمد تولکی، روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگاری که برای علاقه‌مندان و دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این کتاب، این موضوع را با اتکا به نگاه حرفه‌ای و دانش آکادمیک خویش در رشته روزنامه‌نگاری به‌تحریر درآورده و با افزودن بخشی تحت عنوان «از استاد پیرس»- در پایان هر فصل- پرسش اساسی کتاب را در پاسخ‌های استادانی چون علی‌اکبر قاضی‌زاد، مهدی فرقانی، مجید رضانیان، یونس شکرخواه، فریدون صدیقی و حسن نمکدوست جست‌وجو کرده و به بحث گذاشته است. «بای‌بندی به اصول روزنامه‌نگاری خوش آمدید»، «بای‌بندی به اصول حرفه‌ای»، «محیط دانشگاه» و «در آغاز راه» تهیه و تنظیم شده است. چاپ اول کتاب در تابستان سال ۹۵ در قطع رقعی به تعداد صد نسخه در ۱۱۲ صفحه و به قیمت ۹ هزار تومان از سوی نشر تانیه منتشر و روانه بازار کتاب شده است.